

باد ۲ ابر را

انباشته بالای سیمین دست دریا .

در لای لای ابر دریا

این مرغِ توخان است ، چون برق سیه فام

مغز و نا آرام ، در پرواز آزاد

گاهی پرخاشند سر موج

گاهی چو تیری بپسند گردد سوی ابر

با بانگ پر نور .

در ابر و سپید طنین سادمانی

ز آوازی بی پروای این مرغ .

میزوی قسم رسیده سوت ،

ایمان به پروزی رخسان ،

این است بانگ مرغِ توخان .

از وقت توخان

« کاکا کائی » می عاقر در خفاشند

آنها بر آتش

~~تا هر غل چنان شود~~ آتش خود را اینان نماند

در سینه موج یا در قعر دریا .

زاری کشته از بسم توخان « ابر فردان »

آن مرغ کال بی خبر

از لذت پیکار هستی .

آنها که لرزانشه و رسان

از خشم دست زای تند .

~~را بنگونی نگر~~ خورده خورده خورده

~~سپهان~~ در سنگلاخ خان .

این مرغِ توخان است - سنگلاخ خان

آن سبک پرواز

خورده خورده خورده نگر

نماند در سنگلاخ خان .

مغز و نا آرام در پرواز آزاد

بالای دریا کف آلود .

مردم شود تا یک سر ابر

افند فرو تر روی دریا

موج پزیشان می همد بر آسکان ؟

بر پیروز رعد نمران

تند ز فزندان است دریا پر تلاطم

از جمله باد پزیشان .

با دحضیب آلود و خشی ، موج آرا

از جایی خرد بر کنده می گوید به صخره

امواج حول کوه ز نورد

لازم فرو پایستند حول گردد .

این مرغِ توخان است ، چون برق سیه فام

با بانگ شود انگیز ، در پرواز مغزور .

گاهی چو تیری بگذرد از سینه ابر

گاهی شکافند موج را با بال بران

این مرغِ توخان است بی سلطان سیه پویش

خندان دگرمان .

خندد به بخج آبر

گرید ز شادی .

او دارد ایمان ،

کز ابر نره ،

بگر بنگردد ~~تا~~ خورنده در خان .

مردم فروز تر

نفره ای باد و سندر .

ابر سیه روشن شود

از سعه ای نیلین برق .

وان سعه ۲

حون ماراں آرتنی ،  
در چنگ فم آنگ دربا ،  
پسند بر خود آفتد ، تا محو گمانه .

توفان .

توفان به رودی می فرودد .  
این مرغ توفان است ، چون برقی سه فام  
معوز و نا آرام ، در پرواز آزار .  
این سبک پروزی است ، گوید  
بگذار توفان است برگردد در خردشان .

x x x

ترجمه از آرام  
ترجمه اول  
ترجمه دوم  
۱۹۵۸ لندن  
۱۹۶۲ لندن